

بازی نامحدود

سایمون سینک

ترجمه‌ی

علیرضا خاکساران



آموخته

سرشناسی: سیمون سینک

Sinek, Simon

عنوان و نام پدیدآور بازی نامحدود/مایم سینک؛ ترجمه‌ی علیرضا خاکساران.

مشخصات نشر آموخته، ۹۹.

شابک ۹۷۸۰۱۲۲-۶۶۵۰۴۸-۹

وضعیت فهرست نویسی فیپا

یادداشت عنوان اصلی: ۲۰۱۸، The name game

موضوع رهبری

Leadership موضوع

شناسه‌ی افزوده خاکساران، علیرضا، مترجم

رده‌بندی کنگره HD۵۷/۷

رده‌بندی دیویی ۶۵۸/۴۰۹۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۶۰۶۵۸۷۳



انتشارات آموخته

www.amookhteh.ir | info@amookhteh.ir

دفتر مرکزی: اصفهان، خیابان مشتاق دوم، بلوار مهرآباد،

کوی ۱۹، شماره ۴۶ • کد پستی: ۸۱۵۸۹۳۸۱۳۱

تلفن: ۰۹۱۳۴۰ ۱۰۴۰۰ • ارتباط مستقیم: ۰۳۱)۳۲۶۱۶۳۶۰

ما را در اینستاگرام دنبال کنید:

@Amookhteh

بازی نامحدود

سایمون سینک

ترجمه‌ی علیرضا خاکساران

آماده‌سازی: انتشارات آموخته

مدیر تولید: فرهاد فروزنده

ویراستار: فاطمه علی‌پور تنگسیری

مدیر هنری: حمید میزبانی

• لیتوگرافی: طلوع • چاپ: میخک • صحافی: مردانی

• چاپ اول: ۱۳۹۹ • شمارگان: ۱۰۰۰ • قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

© حق چاپ: ۱۳۹۹، آموخته

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۰۴۸-۹

ISBN: 978-622-665048-9

فهرست مطالب

۱۱	چرایی ام برای نوشتن این کتاب	
۱۵	پیروزی	
۱۷	بازی‌های محدود و نامحدود	فصل ۱
۳۹	هدف والا	فصل ۲
۵۹	هدف چه هست و چه نیست؟	فصل ۳
۶۹	هدف‌بان	فصل ۴
۷۷	بریفی جدید از مسئولیت کسب و کار	فصل ۵
۹۵	اراد و منابع	فصل ۶
۱۰۷	تیم‌هایی که اعتماد بر آن‌ها حاکم است	فصل ۷
۱۳۱	زوال احراقی	فصل ۸
۱۵۵	حریف شایست	فصل ۹
۱۷۵	انعطاف‌پذیری وجودی	فصل ۱۰
۱۸۹	شهامت رهبری کردن	فصل ۱۱
۲۱۱	سخن پایانی	...

چرایی ام برای نوشتن این کتاب

شاید فکر کنید نوشتن چنین کتابی لازم نباشد، چون در دوا تاریخ بشر، بارها شاهد مزایای طرز فکر نامحدود بوده ایم. پیدایش جوامع قدرتمند، پیشرفت های علمی، پزشکی و کاوش فضا همگی مرهون تلاش و همکاری گروه های سرزده ای بوده اند که بدون دانستن سرانجام کارشان پیرامون هدفی مشترک گرد هم آمده اند. برای نمونه، اگر فضاییابی پس از پرتاب سقوط می کرد، اشکال کار را پیدا و بارها تلاش می کردیم. و حتی پس از پرتاب موفق، باز هم به بهبود کار ادامه می دادیم. این کارها را به خاطر وعده ای پاداش آخر سال انجام نمی دادیم، بلکه احساس می کردیم جزئی از هدفی والاتر و فراتر از خودمان هستیم، چیز ارزشمندی که پس از مرگ مان هم باقی می ماند.

با وجود همه ی این مزایا، کار کردن با دید نامحدود و بلندمدت از هر کسی ساخته نیست و به همت زیادی نیاز دارد. ذات بشر به گونه ای است که به دنبال راهکارهای آنی برای مشکلات ناخوشایند می گردد و برای پیشبرد بلندپروازی هایمان، اولویت مان

با پیروزی‌های فوری است. دنیا را براساس موفقیت‌ها و شکست‌ها و برندگان و بازندگان می‌بینیم؛ داشتن چنین دیدگاه پیش فرضی به دنیا در کوتاه‌مدت کارساز است، ولی اگر راهبرد فعالیت‌های سازمان و شرکت‌مان را براساس آن بچینیم، عواقب ناگواری در بلندمدت گریبان‌مان را می‌گیرند.

چنین طرز فکر پیش فرضی نتایجی را رقم می‌زند که بسیار برای‌مان آشناست: اخراج شمار زیادی از کارکنان برای تحقق پیش‌بینی‌های دیمی؛ محیط‌های کاری خشن و بی‌روح؛ تن دادن به خواسته‌های سهامداران به جای توجه به نیاز کارکنان و مشتریان؛ روی آوردن به روش‌های فریبکارانه و غیراخلاقی؛ پاداش دادن به افرادی از تیم که عملکردشان بالاست ولی زهر رفتارشان کل تیم را مسموم می‌کند و هم‌اکنون چشم‌پوشی کردن از آسیبی که به دیگر اعضای تیم وارد می‌کنند؛ پاداش دادن به رهبرانی که بیشتر به فکر خودشان هستند تا اینکه به فکر افرادشان باشند. تمام این‌ها به کاهش وفاداری و حس تعلق و افزایش اضطراب و حس ناامنی افراد منجر می‌شوند که بر سازمان‌های امروزی می‌بینیم. به نظر می‌رسد این رویکرد غیرانسانی در محیط کسب و کار و اینکه همه چیز را به چشم پول ببینیم پس از وقوع انقلاب صنعتی شتاب گرفته و در عصر دیجیتال نیز با شتاب بیشتری پیش می‌رود. در واقع، طرز فکر کوتاه‌مدت به مرور در کلی‌ماز تجارت و نظام سرمایه‌داری سایه افکنده است.

بسیاری از ما برای چنین وضعیتی از بازتاب منفی می‌کنیم، ولی شوربختانه این گونه به نظر می‌رسد که گرایش بازار به حفظ وضعیت موجود از نیروی لازم برای تغییر این وضعیت قدرتمندتر است. وقتی به صاحبان کسب و کار می‌گوییم: «اول به فکر افرادتان باشید و سپس به سود فکر کنید»، با مقاومت روبه‌رو می‌شویم. بسیاری از کسانی که کنترل نظام کنونی را در دست دارند، بسیاری از رهبران فعلی کسب و کار، به ما می‌گویند که شما «بچه» هستید و چیزی از «واقعیت‌های» کسب و کار نمی‌دانید. به همین دلیل، بسیاری از ما در برابر این مخالفت‌ها کوتاه می‌آییم. به این تن می‌دهیم که هر روز با ترس و لرز بلند شویم و به سر کار برویم، در محل کارمان احساس امنیت نداشته باشیم و برای پیدا کردن حس رضایت در زندگی‌مان دست‌وپا بزنیم. کار تا جایی پیش رفته که عده‌ای برای رسیدن به تعادل بین کار و زندگی که آرزوی خیلی‌هاست باید به ما مشاوره دهند و برای خودش صنعت مستقلی شده است. همیشه با خودم فکر می‌کنم مگر چاره‌ای جز کوتاه آمدن در برابر این وضعیت داریم؟

بسیار محتمل است که شاید آن «واقعیتی» که ورد زبان بدبینان است درست نباشد، البته فقط شاید. شاید روش کنونی کسب و کار ما «درست» یا حتی «بهترین» روش نباشد. شاید روشی است که به آن خو گرفته ایم، روشی که مدنظر اقلیت است و همان ها هم آن را تا به این جا رسانده اند، نه اکثریت. اگر این گونه باشد، پس فرصت ارائه ی واقعیتهای متفاوت را داریم.

می توانیم دنیایی بسازیم که در آن، بیشتر ما پس از بلند شدن از خواب برای رفتن به سر کار شوق داشته باشیم، وقتی سر کاریم احساس امنیت کنیم و در پایان روز، با حس رضایت به خانه بازگردیم. تغییری که از آن حرف می زنم آسان نیست، ولی شدنی است. در حضور رهبران خوب (رهبران عالی) می توان این چشم انداز را به واقعیت تبدیل کرد. رهبران عالی کسانی اند که «بلندمدت» فکر می کنند و نه «کوتاه مدت». کسانی که می دانند مسالایر سبب نایج کوتاه مدت نیست؛ بلکه نسل بعد را باید در نظر داشت. رهبران عالی سازمان ها شاید راه به ای طراحی می کنند که حتی پس از مرگ شان هم با موفقیت به کار ادامه دهند و در این صورت، مزایایش برای ما، خود کسب و کار و حتی برای سهامداران بیش از حد انتظار است.

چرایی ام برای نوشتن کتاب حاضر این است که نظر طرفداران وضع موجود را تغییر دهم، بلکه می خواهم کسانی را گرد هم جمع کنم که آمادگی به چالش کشیدن وضعیت موجود و جایگزینی آن را با واقعیتهای دارند که با نیاز عمیق بشری مان به احساس امنیت بیشتر جور در می آید، تا برای هدفی والاتر از خودمان ایفای نقش کرده و بستری برای تأمین منافع خودمان و خانواده هایمان فراهم کنیم. واقعیتهای بهتری منافع فردی، شرکتی، جوامع و نوع بشر را تأمین می کند.

اگر به دنیایی باور داریم که در تک تک روزهایش می توانیم حس انگیزه، امنیت و رضایت داشته باشیم و اگر باور داریم رهبران همان کسانی اند که می توانند این حس را در ما به واقعیت تبدیل کنند، پس همه ی ما مسئولیت داریم تا کسانی را پیدا، راهنمایی و پشتیبانی کنیم که تعهد می دهند راه و رسم رهبری شان آن رؤیا را با احتمال بالاتری به حقیقت تبدیل می کند. و یکی از گام هایی که باید برداریم این است که معنای رهبری در بازی نامحدود را فرا بگیریم.

سایمون سینک

۴ فوریه ۲۰۱۹

لندن، انگلستان